

روش‌شناسی تفسیر اجتماعی قرآن

محمد رضا آقایی □

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

نویسنده با استفاده از یافته‌ها و آموزه‌های موجود در عرصه تفسیر قرآن کریم در بخش قواعد، مبانی و پیش‌فرض‌ها و همچنین با توجه به آموزه‌های جامعه‌شناختی، مناسبتی بین تفسیر و قرآن کریم^۱، در قالب «تفسیر اجتماعی» برقرار می‌سازد و ضرورت چنین رویکردی را، با توجه به اصول یاد شده، تبیین می‌نماید؛ به این معنا که در شرایط فعلی که دانش رو به گسترش است و به همان میزان توان بهره‌وری از قرآن کریم رو به افزایش می‌باشد، با مراجعه به مسائل علوم از جمله جامعه‌شناسی، می‌توان پاسخ‌های متقن و پذیرفتنی از قرآن کریم استخراج کرد و به حل آن مسائل کمک کرد.

واژه‌های اصلی: قرآن، تفسیر، تفسیر اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی.

مقدمه

قرآن کریم با تمام محتوای متعالی‌اش، چشمه‌ای جوشان در تنظیم حیات اجتماعی بشر است و عالمان و فرهیختگان هر روز که می‌گذرد، بیش از پیش به نقش آن به عنوان «قاعده‌ای اساسی و الهام‌بخش در رویارویی با تهاجم‌های خصمانه به عقیده اسلامی» واقف می‌شوند.

قرآن کریم خود را تبیین‌کننده همه چیز «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»؛ (نحل / ۸۹) و بیان برای مردم «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»؛ (آل عمران / ۱۳۸) می‌داند. امروزه هر اهل دقتی می‌پذیرد که قرآن راهنمای اساسی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی - متناسب با هر عصری - است؛ البته اگر بهره‌بردار از آن در وادی هولناک تفسیر به رأی یا برداشت‌های متحجرانه یا التقاطی قرار نگیرد، لذا بین علمای بزرگ شیعه و اندیشمندان اهل سنت، کسانی که بیشتر به دغدغه‌های اجتماعی توجه کرده‌اند و قرآن را در این زمینه رهگشا دیده‌اند، تفاسیر متعددی با گرایش اجتماعی در زمینه‌های مختلف (اعم از: مسائل کلی و جزئی) تدوین کرده‌اند یا در بیانات خود به آن توجه ویژه نشان داده‌اند.

در بخش تفاسیر عالم تشیع می‌توان به المیزان فی تفسیر القرآن، (علامه طباطبایی)، تفسیر نمونه (آیت‌الله مکارم شیرازی)، پرتویی از قرآن (آیت‌الله طالقانی)، جامعه در قرآن (آیت‌الله جوادی آملی) و در عالم اهل سنت، به تفسیر المنار (رشید رضا) و فی ظلال القرآن (سید قطب) اشاره کرد.

بزرگانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، مرحوم شهید مرتضی مطهری، شهید سید محمد باقر صدر نیز زمینه‌های فراوانی را در بهره‌مندی از قرآن کریم در عرصه‌های اجتماعی فراهم و تبیین نموده‌اند: همچنان که امام خمینی علیه السلام به گونه‌ای عملی و متأثر از مکتب اسلام ناب، قرآن را در صحنه زندگی اجتماعی

مسلمانان احیاء کرد. همان‌گونه که کتاب‌ها و تفاسیر یا برداشت‌های مختلف دیگری در جهان اسلام - به طور عام - و در جهان عرب و ایران اسلامی - به طور خاص - این موضوع را مورد توجه قرار دادند. از این قبیل آثار می‌توان به جامعه و تاریخ در قرآن (مصباح یزدی)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن (شهید محمد باقر حکیم)، قرآن و عقاید اجتماعی (عزت‌الله رادمنش)، مدخل الی علم الاجتماع الاسلام (یوسف شلمت)، بناء المجتمع الاسلامی و نظم و دراسته فی علم الاجتماع الاسلامی (نیل سمالوطی)، عناصر المجتمع فی القرآن الکریم (شهید محمد باقر صدر) و المجتمع بحوث فی المذهب الاجتماعی القرآنی (محمد عبدالجبار) اشاره نمود.

جامعه‌شناسی هنجارگرا

در یک تقسیم‌بندی علوم و معارف بشری را به سه دسته اساسی (علوم فیزیکی، علوم زیستی و علوم انسانی) تقسیم می‌کنند. علوم انسانی به دانش‌های مربوط به انسان در قالب علوم انسانی، اجتماعی یا تاریخی و فرهنگی ناظر است که بخشی از آن، علوم انسانی به امور و شئون اجتماعی او توجه دارد و تنها جنبه توصیفی دارد. جامعه‌شناسی، بر اساس این تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی علوم، از جمله علوم انسانی - اجتماعی با جنبه توصیفی به حساب می‌آید (ر.ک. به: مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ در قرآن، ۱۶ - ۲۱).

صرف نظر از جنبه توصیفی جامعه‌شناسی، از ویژگی‌های عمده آن که از محصولات رشد علمی در جامعه غرب پس از قرن‌های نوزده و بیست است، «اثبات‌گرایی» یا متأثر از دیدگاه فلسفی خاصی درباره جهان، حیات و انسان است که فیلسوف فرانسوی «اگوست کنت» به عنوان پدر جامعه‌شناسی غرب، در قرن نوزدهم و در فضایی از ناآرامی و آشوب فکری پدید آورد؛ فضایی که از

مشخصات اصلی آن مخالفت جریان‌های انسان‌گرا و اومانستی بر ضد نظام اندیشه دینی افراطی (مسیحی) است (کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ۲۴-۳۶) یکی از ویژگی‌های بارز اثبات‌گرایی، سکولاریستی بودن آن است و این که سعی می‌کند به صورت علمی و مستقل از تصورات و مفاهیم دینی، به مطالعه امور طبیعی و اجتماعی بپردازد.

جامعه‌شناسی هنجارگرا، که حکایت ضرورت اصلاح و تجدید نظر در مبانی روش شناختی در جامعه‌شناسی است و امروزه - به خصوص با گسترش رویکردهای دینی به ویژه در جامعه علمی اسلامی - به عنوان یک اقدام ضروری تلقی می‌گردد، در حقیقت افزودن منبع وحی و جهت‌دهی‌های آن به مجموعه منابع جامعه‌شناسی است؛ روشی که از سطح پژوهش صرفاً اثبات‌گرا که در محدوده توصیف و گزارش واقعیت می‌ایستد، فراتر می‌رود و در پرتو معیارهای مشخصی که از قرآن کریم و جهت‌گیری‌های آن نشأت می‌گیرد، به سطح ارزش‌گذاری و ارائه جایگزین گام می‌نهد.

این روش مطالعه که واقعیت را از برنامه خود حذف نمی‌کند، به توصیف و تحلیل تجربی هم بسنده نمی‌کند؛ در نتیجه، هنجارگرایی روشی است که هر دو رویکرد را با هم دارد؛ یکی رویکرد توصیفی و گزارشی و دیگری رویکرد ارزش‌گذارانه و ارائه جایگزین معیاری و ارزشی. بنابراین، تعارضی که در اثبات‌گرایی میان «گزاره‌های ناظر بر واقع» و «گزاره‌های ناظر بر ارزش» وجود دارد، نفی می‌شود، این روش مشروعیت ارزش‌های حاکم بر واقعیت اجتماعی را، تنها به دلیل رواج و شیوع و حیانی این ارزش‌ها، نمی‌پذیرد؛ بلکه در پرتو الگوها و مقایسه‌های مشخص شده سنتی سعی در تفسیر واقعیت موجود به واقعیتی بهتر دارد (ر.ک. به: امزبان، محمد محمد، روش تحقیق در علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی، ۶ - ۷).

نسبت مطالعات اجتماعی و قرآن کریم

پرداختن به رابطه مطالعات اجتماعی و قرآن کریم با توجه به بحث مفهومی و روشی که ارائه گردید، از دو نظر قابل بررسی است.

الف) اگر از مباحث مربوط به معاد و توصیف مراحل و مکان‌های مرتبط به آن و مطالبی از قرآن کریم که به مباحث توحید و صفات الهی می‌پردازد بگذریم، شاید بسیاری از مسائل محوری قرآن کریم به چگونگی حیات اجتماعی، تاریخ زندگی انسان‌های صالح و ناصالح، بایدها و نبایدها و نیازمندی‌های فکری و رفتاری او در ابعاد مختلف مادی و معنوی ناظر باشد.

طرح گوناگون سرگذشت اقوام و سخن‌راندن از سنت‌های حاکم بر جوامع، تاریخ آن‌ها و توجه دادن به عبرت از آن‌ها («قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ (آل عمران / ۱۳۷)، «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ (یوسف / ۱۱۱). به گونه‌ای که تنها واژه «سنت» با تکرار قابل توجه و با تعابیر متعدد آمده - شاهدهی زنده بر این مدعی است. واژه «سنت الله» (۸ بار)، «لسنتنا» (۱ بار)، «سنن» (۲ بار) و «سنة الاولین» (۴ بار) تکرار شده است. همچنین طرح انواع مختلف این سنن و به تعبیری قوانین اجتماعی از مباحث محوری قرآن کریم است. مانند:

۱- تغییر سرنوشت به دست انسان: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»؛ (رعد / ۱۱).

۲- آزمایش با انواع بلا و مصیبت‌ها: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ (بقره / ۱۵۵).

۳- تفاوت خصوصیات ظاهری و رفتاری انسان: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ

مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْتَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ (حجرات/۱۳)؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»؛ (روم/ ۲۲).

همچنین تقسیم‌بندی قرآن کریم از دو طبقه مترف و مستکبر و طبقه صالح و مستضعف و در راستای آن، طرح بحث از ریشه‌های فساد جامعه و راهکارهای اصلاح آن - که از مباحث اساسی قرآن کریم است و بیشتر در قالب اصول اساسی مانند ضرورت و فلسفه بعثت انبیاء و همچنین فروع آن که تا ابعاد اجتماعی نماز، امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری پیش می‌رود - نشانگر میزان بالای توجه قرآن کریم به موضوعات اجتماعی است (ر.ک. به: طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۴، ۹۱ - ۱۳۳). اضافه بر آن، طرح و بیان احکام از نوع واجبات و محرمات و اشاره به برخی از علل تشریح احکام مختلف، گویای پرده دیگری از حقایق قرآنی است، موضوعاتی چون رسیدگی به یتام، مساکین و در راه ماندگان، (انسان / ۸۲؛ بقره / ۸۳ - ۱۷۷، ۲۱۵؛ نساء / ۸ و ۳۶؛ مائده / ۸۹ و ۹۵؛ انفال / ۴۱؛ توبه / ۶۰؛ کهف / ۷۹؛ نور / ۲۲ و حشر / ۷) انفاق معیار تقوی (بقره / ۳، ۲۱۵) بیان انحرافات اجتماعی، مانند سرقت، ظلم فحشا و راه‌های مبارزه با آنها (مائده / ۳۸ و ۳۲ و ۳۳؛ نور / ۲۱؛ آل عمران / ۱۳۵ و نساء / ۱۵ - ۲۵) و ... گویای نوع نگاه قرآن کریم به فرهنگ و جامعه انسانی و مسایل مربوط به آن است.

ب) جامعه‌شناسی (شاخه‌ای از علوم اجتماعی با جنبه توصیفی) موضوع و روش مطالعاتی خاصی دارد. برخی از موضوعات محوری مطالعه در این رشته علمی عبارت است از: (۱) مطالعه نهاد‌های اجتماعی، (۲) فرهنگ و زیرمجموعه‌های مربوط به آن، (۳) آموزش و پرورش، (۴) فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری،

۵) گروه‌های اجتماعی، ۶) آسیب‌شناسی اجتماعی، ۷) قشریندی و طبقه‌های اجتماعی، ۸) عدالت اجتماعی، ۹) آزادی، ۱۰) رهبری و حکومت در جامعه، ۱۱) مدینه فاضله، ۱۲) نظارت و کنترل اجتماعی، ۱۳) تحلیل انقلابات، ۱۴) جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی و اجتماعی.

موضوع اصلی جامعه‌شناسی تحلیل و مطالعه رفتارهای اجتماعی انسانی است. این دانش نقش انسان‌ها - مستقیم و غیر مستقیم - را در خلق این رفتارها (اعم از رفتارهای مثبت یا منفی، هنجار یا ناهنجار، به دلیل انگیزه‌ها، سلاقی نگرش‌ها و بینش‌های متفاوت) تحلیل و بررسی می‌کند. با توجه به این نکته بین موضوعات مورد نظر قرآن کریم و مطالعات جامعه‌شناسی نوعی هم‌خوانی احساس می‌شود.

عمده دغدغه قرآن کریم با نگاه اجتماعی آن، حوزه رفتارهای انسان‌ها در جامعه و اصلاح آن است. موضوع مطالعات جامعه‌شناختی هم، تحلیل این‌گونه رفتارهاست؛ البته به شیوه جزئی‌نگر؛ نه کلان‌نگری که در قرآن کریم هست. در نتیجه به نظر می‌رسد:

۱) با مرور بر قرآن کریم در می‌یابیم که بسیاری از مباحث محوری در جامعه‌شناسی وجود دارد که - به طور مستقیم و غیر مستقیم - مورد نظر قرآن کریم است.

۲) چون قرآن کریم مصدر بسیاری از معارف است، مصدر بسیاری از علوم و معارف اجتماعی نیز خواهد بود.

۳) بسیاری از برداشت‌ها و تحلیل‌های عقلی و تجربی بشر، از مسائل و نیازهای اجتماعی‌اش، قابل اصلاح و بازبینی است، به این معنا که با مراجعه به مضامین اجتماعی قرآن کریم می‌توان بسیاری از مبانی، پیش‌فرض‌ها، اصول و

قواعد مطالعات جامعه‌بشری را اصلاح کرد؛ به ویژه این که مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌های علوم اجتماعی، از جمله جامعه‌شناسی، ناظر به انسانی اجتماعی است که رفتارها و عوامل و انگیزه‌های آن، بریده از حیات ابدی و آن جهانی او تدوین و تحلیل شده است؛ در حالی که در قرآن کریم به جنبه‌های دیگر انسان و بعد روحانی و آن جهانی او تأکید فراوان شده است. ضمن این که قرآن دیگران را از نگاه تک بعدی به انسان و حیات او بر حذر می‌دارد و به بعد معنوی و آن جهانی او اولویت می‌دهد. در نتیجه، نگاه تک بعدی به انسان و اصرار بر تدوین گزاره‌ها و نظریه‌های سکولار در جهان امروز، اهل تحقیق و تدبر را وامی‌دارد، تا با مراجعه به آن کتاب عزیز، این دسته از شئونات امروزی جامعه بشری را کشف و اصلاح نمایند و از راز عدم موفقیت قطعی علوم انسانی و اجتماعی امروز در مسیر رفع مشکلات جوامع و عدم پاسخ‌گویی سریع و کامل به نیازهای آن پرده بردارند.

تفسیر اجتماعی بازتابی از رابطه قرآن و جامعه‌شناسی

اگر تفسیر را فهم و درک مفاد استعمالی و مراد جدی خداوند از آیات قرآن کریم با شرایط لازم آن بدانیم (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر؛ بابایی، روش تفسیر قرآن)، به طور قطع تفسیر اجتماعی با رویکرد و نگرش جامعه‌شناختی، از جمله گرایش‌های تفسیری است که مفسر سعی دارد بر اساس یافته‌های این دسته از علوم و با کمک آن‌ها به ضمیمه شرایط لازم، به کشف معانی و مفاد استعمالی قرآن کریم راه یابد؛ نوعی بهره‌گیری از یافته‌های قابل اعتماد علمی که بر اساس عقل و عرف می‌توان به کمک آن پرده از برخی اجمال و ابهامات آیات الهی کنار زد و بخشی از حقایق آن را روشن‌تر نمود. بر این اساس - صرف‌نظر از مباحث جنجالی در مفهوم تفسیر علمی، و تسری

جریان تفسیر علمی به حوزه علوم انسانی (از این جهت که این علوم موضوع مطالعه و روش پژوهش ویژه دارند) - مفهوم تفسیر اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی را می‌توان دارای دو جنبه اساسی دانست:

الف) بهره‌مندی از دانش جامعه‌شناسی و دست‌آوردهای متقن آن در ابعاد مختلف نظری و کاربردی برای فهم بهتر و دقیق‌تر محتوای آیات قرآنی و برداشت نو از آن؛ به گونه‌ای که بتوان به شیوه عقلانی و منطقی از آن دفاع کرد و دست‌آوردهای عقل و شرع آن را تأیید نماید.

ب) بهره‌مندی از قرآن کریم برای استخراج اصول و قواعد تفکر اجتماعی و استنباط نظام جامع اجتماعی از آن؛ به گونه‌ای که این یافته‌ها دیگر بخش‌های قرآنی در زمینه مباحث اجتماعی را تبیین کند و مفسر و تحلیل‌گر اجتماعی را قادر سازد تا ضمن تحلیل و بررسی مسائل پیرامونی جامعه کنونی با قرآن کریم، به اصلاح و بازسازی مبانی جامعه‌شناختی دست بزند و در حوزه روش‌شناختی، وحی را منبع دیگر شناخت در تحلیل و کشف مسائل اجتماعی به حساب آورد.

برای تأیید برداشت این دو جنبه، ضمن توجه دادن دوباره خواننده محترم به آنچه در خصوص حاکمیت روح اجتماعی بر تمام دستورات و توصیه‌های قرآن کریم در صفحات پیشین آمد، دقت در جدول زیر، به عنوان یک مقایسه کوتاه بین موضوعات محوری در جامعه‌شناسی و آیات مختلف قرآنی، راه‌گشاست.

موضوع و محور جامعه‌شناختی	معادل‌ها و آیات قرآنی
۱ جامعه، جامعه‌گرایی و مفاهیم مربوط	استفاده قرآن از واژه قوم (۳۸۳ بار) ناس (۲۴۰ بار) امت (۶۴ بار) قریه (۵۶ بار) اناس (۵ بار) ...
۲ اعتقادات دینی جامعه	رابطه ایمان و افزایش برکات «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (اعراف/۹۶) «و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگه‌داری می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم».
۳ قانون‌مندی جامعه و تاریخ	سنت‌های الهی «قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ (آل عمران/ ۱۳۷) «به یقین، پیش از شما، سنت‌ها [و روش‌هایی وجود داشته که] سپری شده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟!»
۴ نقش فرد در جامعه	پیرو سازی رهبران «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا»؛ (قصص/۴) «در واقع، فرعون در زمین (مصر) برتری‌جویی کرد و اهل آن را گروه‌هایی قرارداد».
۵ پایگاه اجتماعی	خداوند موقعیت‌ها را فراهم می‌کند «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ (زخرف/۳۲) «ما وسایل زندگی آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کردیم و ...».
۶ توجه به تفاوت‌ها در جنس و نژاد	ریشه تفاوت‌ها از نظر قرآن «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ...»؛ (حجرات/۱۳) «ای مردم! در واقع، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم...».
۷ جامعه آرمانی (مدینه فاضله)	پاکان و صالحان سازندگان جامعه آرمانی «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ (نور/۵۵) «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد».

نتیجه بحث و تأمل در جدول گویای نوعی همآنی در مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی و تفسیر اجتماعی قرآن کریم است. برای نمونه به محور اول جدول که ناظر به مفهوم جامعه و جامعه‌گرایی است، توجه کنید.

هرچند در قرآن کریم مفهوم جامعه را نداریم؛ لیکن معادل‌های مختلفی برای آن می‌توان یافت، تأملی در کالبد شکافی این مفهوم و ارتباط آن با موضوعات قرآن کریم در این خصوص راه‌گشا است.

جامعه در مفهوم لغوی اسم فاعل مؤنث به معنای گردکردن و گردآوردن است و معنای عرفی آن گروه یا گروه‌های انسانی است؛ به این شرط که در آن، جهت جمع و وحدتی لحاظ شده باشد. بر این اساس گروه مردم یک روستا، استان، دین، جغرافیا، یا یک شغل را می‌توان یک جامعه نامید.

جامعه معنایی اصطلاحی نیز دارد که به دلیل نبود تعریف مورد اتفاق، به بررسی ملاک‌هایی برای تعیین کردن آن نیاز دارد که به دلیل اهمیت، به اختصار، مرور می‌شود.

۱. ملاک جامعه بودن را جدایی مکانی بدانیم که به سه گونه تصورپذیر است: الف) شرط تحقق یک جامعه آن است که گروهی از انسان‌ها در یک محدوده سرزمینی زندگی کنند.

ب) شرط تحقق یک جامعه آن است که گروهی از انسان‌ها گرد هم آیند و در فعالیت‌هایی که برای اداره زندگی آن‌ها ضروری است، مشارکت کنند و از عواید و منافع آن‌ها برخوردار گردند؛ به این معنا که تحت یک نظام تقسیم کار با هم مرتبط باشند و عایدات آن را نیز بین خود تقسیم کنند.

ج) منظور از جامعه واحد، گروهی از مردم هستند که در یک نظام جداگانه سازمان یافته‌اند و امور آن را، مستقل از نظارت بیرونی، اداره می‌کنند، یعنی یک حاکمیت واحد و مستقل سیاسی دارند.

۲. ملاک جامعه را اصول فکری و عقایدی دانست که از آن انتظامات، قوانین، شریعت و امور سیاسی - اقتصادی منشعب می‌شود. بر این اساس گاهی جوامع را به جوامع اسلامی، کمونیستی، سرمایه‌داری یا دینی، بدون مرز بندی جغرافیایی، تقسیم می‌کنند.

۳. ملاک جامعه بودن را جدایی زمانی بدانیم، به این معنا که، هرگاه در ساختار اجتماعی یک گروه خاص از انسان‌ها که در یک سرزمین معینی زندگی می‌کنند و جامعه‌ای واحد و جداگانه را تشکیل می‌دهند، تغییر مهمی پدیدار شود؛ به گونه‌ای جامعه که بعد از آن تغییر، نسبت به گذشته‌اش متمایز شود. در واقع ما دو جامعه با دو خصوصیت داریم که عمده نهادهای اجتماعی آن تغییر اساسی کرده است، مانند: جامعه صدر اسلام با قبل از آن، یا جامعه بعد از انقلاب ایران و قبل از انقلاب.

با توجه به ملاک‌های یاد شده، به نظر می‌رسد تعریف جامعه به دو سطح رویین و زیرین ناظر است. سطح زیرین محتوای مفهومی جامعه، ناظر به عقاید، افکار و اصول فکری و اندیشه‌هاست و سطح رویین آن مربوط به بعد مکانی، جغرافیایی و قالب‌های نه چندان پیچیده است که بر اساس آن‌ها فعالیت‌های اجتماعی، صورتی عینی و روزمره به خود می‌گیرد و آغاز و انجام می‌یابد.

با پذیرش این برداشت از مفهوم جامعه که جمعی سازگار بین ملاک‌های زمانی، مکانی، و اندیشه‌ای است، به نظر می‌رسد با مراجعه به مفاهیم مشابه این مفهوم در قرآن کریم، هر دو سطح مورد نظر قرآن کریم باشد. آن‌جا که سخن از حضور یک پیامبر در بین یک گروه از مردم است «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»؛ (بقره/ ۲۱۳) و «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ (رعد/ ۷) و آن‌جا که سخن از اعتقاد و باورهای یک گروه است «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا»؛ (مریم/

۲۰) و آنجا که قرآن بر محوریت زمانی تأکید دارد ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾؛ (نصر / ۱ و ۲) همه گویای ناظر بودن آیات به بعد مکانی، زمانی و اندیشه‌ای جامعه است (عبدالجبار محمد، المجتمع، ۶) که پی‌گیری ابعاد آن فرصت و مجال دیگری را می‌طلبد.

مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیر اجتماعی

با توجه به آنچه از تبیین رابطه مفاهیم و مسائل جامعه‌شناختی و موضوعات و محورهای اجتماعی قرآن کریم و به کارگیری و توجه به آنها در تفسیر اجتماعی مطرح گردید، مناسب است به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیر اجتماعی با گرایش جامعه‌شناختی بپردازیم. تا از تلقی نامناسب جلوگیری و برداشت عالمانه‌تری از رابطه تفسیر قرآن کریم و مباحث جامعه‌شناختی ارائه شود. از آنجا که تمایز روشنی بین مبانی و پیش‌فرض‌ها وجود ندارد و گاهی آن دو را یکی می‌دانند یا آنها را در دو وادی کاملاً متفاوت با یک تعداد معیارهای سلیقه‌ای از هم جدا می‌کنند، به نظر می‌رسد چون یک تعداد معیارها، به عنوان مستندات تفسیر اجتماعی از بیانات درون قرآنی به حساب می‌آیند، از آنها با عنوان، مبانی یاد کنیم و به بررسی آن بپردازیم و مواردی از اصول را نیز که جنبه برون قرآنی دارند و در تفسیر اجتماعی باید به آنها توجه نمود و بیشتر به حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناختی - به طور خاص - ناظرند، پیش‌فرض‌های ورود به تفسیر اجتماعی بشماریم و بررسی کنیم.

الف) پیش‌فرض‌ها

۱. جامعه از نوعی وجود بهره‌مند است؛ جامعه را چه دارای وجودی اعتباری بدانیم (ر.ک. به: جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۸) یا وجود حقیقی و اصلاتی برای آن بپذیریم (آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ۱۱۰ -

۸۵)، (ر.ک. به: مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ در قرآن، ۳۴۳ - ۳۳۵، از مجموعه آثار، ج ۲) بالأخره نوعی وجود برای جامعه قائل شده‌ایم. یکی از مواضع بحث در حوزه جامعه‌شناسی - و قبل از آن در فلسفه اجتماع - سخن از اصالت جامعه و به تبع آن، تأثیرپذیری افراد و جامعه از هم است. بر این اساس هر کدام که اصالتی برای جامعه قائل شدند، نوعی وجود را هم برای آن قائل‌اند. به عبارت دیگر مفهوم جامعه هر چند از حضور افراد زیاد در یک محیط با ملاک‌های یاد شده گرفته شده است، در عین حال مقوماتی دارد که معمولاً به فرد تنها منتسب نمی‌شود و به جمع بدون افراد هم نمی‌توان نسبت داد؛ بلکه به گونه‌ای از اتحاد بر می‌گردد که از آن به جامعه تعبیر می‌شود. به قول شهید مطهری رحمته الله دارای روحی است که نقش آن ایجاد اتصال و پیوستگی است (مطهری، ۳۳۹)، یعنی در عین حال که متشکل از نهادها و ساختارهای اجتماعی متفاوت و زیاد است، گونه‌ای از وحدت را دارد که عناصر مطرح در تعریف جامعه، (مذهب، نوع تفکر، منطقه جغرافیایی، هدف مشترک و زبان)، حکایت از آن دارند. بر اساس دیدگاه‌هایی مانند نظر شهید مطهری، آیات فراوانی در این جهت قابل استدلال است که برای نمونه می‌توان به برخی آیات که در آن مفهوم «امت» یا «قوم» به کار رفته است، استناد کرد.

۲. جامعه یک ارگانیزم (اندام واره) است؛ نوعی نگرش وحدت‌گرایانه به جامعه و کلیت آن وجود دارد، نگاهی همسو با دیدگاه قرآن‌کریم به کل جهان هستی و این‌که همه در عین کثرت با یک هدف و در یک مسیر به سوی خداوند در حرکت‌اند. به طور قطع نگرشی اندام واره‌ای به جامعه، پیش فرض دیگری است که امکان تحلیل صحیح مسائل اجتماعی و پیرامونی انسان را فراهم می‌سازد، که غیر از آن یعنی نگاهی جزیره‌ای، استحکام و مبنای متقن ندارد.

از ادله عمده این وحدت‌گرایی حاکمیت قوانین مشترک بر جامعه و سنت‌های اجتماعی معهود است که امکان تحلیل علمی تاریخی جامعه و زمینه بهره‌مندی و عبرت‌آموزی از آن را با تفسیر قرآن کریم فراهم می‌سازد، مانند «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ (آل عمران / ۱۳۷).

۳. نقصان و ناتوانی تئوری‌های علوم اجتماعی در تحلیل رفتارهای انسانی؛ به این معنا که، جامعه‌شناسی به عنوان یکی از علوم ناقص بشری، و از طرفی مبتنی بر استقرای ناقص، دارای نظریه‌ها و تئوری‌های متعددی در حوزه‌های مربوط از جمله تحلیل رفتارهای اجتماعی سازگار یا ناسازگار، تبیین هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و توصیف رفتارهای انقلابی است؛ لیکن آنچه مسلم است و تاکنون قطعیت آن مورد تردید قرار نگرفته (صرف نظر از بی‌اعتباری و پایایی قطعی آن‌ها به ویژه دیدگاه‌ها و دکترین‌های اصلی در این نگرش یعنی کارکردگرایی، تضادگرایی، ساختارگرایی و...)، این است که همه نظریه‌ها دارای مبانی و اصول غیر الهی و بیشتر، با توجه به نگرش انسان‌مدارانه یا جامعه‌گرایانه تدوین شده‌اند که با توجه به دو ساحتی بودن حیات انسانی و ابتدای بر آن جهانی بودن بشر، این دیدگاه‌ها در تحلیل رفتار اجتماعی و مصادر آن رفتار، ناقص و دچار نوعی ناتوانی‌اند، برای نمونه با مراجعه به قرآن کریم معلوم می‌شود که یکی از عوامل مؤثر در کاهش انحرافات و تقویت اطاعت از خداوند در گروهی از انسان‌ها، انگیزه ورود به بهشت و فرار از جهنم با وصف قابل توجه قرآن کریم از آن دو است (ر.ک. به: محتوای سوره‌های واقعه والرحمن). این‌جاست که در تحلیل‌های مادی‌گرایانه هیچ نقشی برای این دو مهم در بازدارندگی اعمال و رفتار انحرافی نمی‌توان تصور کرد.

۴. قدمت و طول عمر کوتاه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در حوزه علوم اجتماعی صرف نظر از نقص آن در تبیین رفتار انسان‌ها، از جمله مواردی است که نمی‌تواند پایه‌پای قدمت و تاریخ گزاره‌ها و بیان‌های قرآنی حرکت کند. بیش از هزار و چهارصد سال از نزول قرآن می‌گذرد، ولی هر روز بر معارف استفاده شده از قرآن کریم افزوده می‌گردد. کتاب‌های علمی در حوزه‌های مختلف، فقهی، کلامی، تفسیری، اخلاق، تاریخ و قصص، علوم قرآنی و صدها معلومات دیگر همه شاهدی روشن بر این مدعا هستند.

در نتیجه پذیرش برتری این معارف و قدمت آن‌ها بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های علوم اجتماعی از جمله پیش‌فرض‌ها است که از نظر زمانی و نیز محتوایی بر جامعه‌شناسی غلبه دارد؛ به ویژه که بسیاری از آنچه امروز در قالب مباحث علمی از جمله در علوم اجتماعی مطرح است، ریشه در معارف دینی، اسلامی و به ویژه، تفکر شیعی دارد و بسیاری از محورهای اصلی آن را در روایات و احادیث نبوی و اهل بیت می‌یابیم.

این‌که ابن خلدون پدر علم جامعه‌شناسی لقب می‌گیرد و قبل از آن بیرونی و دیگران، چون فارابی، در تصویر جامعه و مدینه فاضله همسو با قرآن و سنت اظهار نظر می‌کنند، دلیلی روشن بر اثبات این مدعاست (ر.ک. به: گروهی از نویسندگان، دفتر همکاری حوزه، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی).

ب) مبانی

۱. مبانی عام

۱ - ۱) امکان و جواز تفسیر: از مبانی عام تفسیر اجتماعی، پذیرش امکان و جواز تفسیر با توجه به گرایش‌های مفسر است که ادله متعددی از جمله ادله درون قرآنی مانند مجموعه آیات دعوت کننده به «تدبّر»، (نساء/ ۸۲؛ محمد ﷺ/

۲۴) «تفکر»، (نحل / ۱۱، ۴۴ و ۶۹؛ آل عمران / ۱۹۱؛ یونس / ۲۴؛ رعد / ۳؛ روم / ۲۱؛ زمر / ۴۲؛ جاثیه / ۱۳) «تحدی»، (بقره / ۲۳، یونس / ۳۸، هود / ۱۳) و همچنین آیات بیانگر وجود «متشابهات» (آل عمران / ۷) در قرآن و این که قرآن «تبیان کل شی» است (نحل / ۸۹) شواهدی مؤثر بر آن است.

۱ - ۲) جامعیت و جاودانگی قرآن کریم به عنوان معجزه‌ای الهی از دیگر مبانی است. این که قرآن کریم انحصار در زمان نزول ندارد و فرهنگ زمانه و شرایط آن، جز بخشی ابزار گونه در خدمت انتقال احکام و دستورات الهی در قالب کلمات قرآنی نیست (ر.ک. به: زمانی، حسن، قرآن و مستشرقان، فصل قرآن و فرهنگ زمانه).

از شواهد و مدارکی که به این جامعیت دلالت می‌کنند. وجود ظاهر و باطن در قرآن کریم است (ر.ک. به: سید رضا مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن) که به خوبی گویای توانایی قرآن کریم در تحلیل مسائل روز و جدید است. ضمن این که هدف قرآن کریم بر اساس این جامعیت، هدایت انسان به رشد و تعالی است و این که جز با تشکیل حیات اجتماعی و توجه به پیچیدگی آن با گسترش جمعیت روی زمین، تحقق این هدف میسر نیست، حقیقت این جامعیت و رجوع مستمر به آن روشن تر می‌گردد (المیزان فی تفسیر القرآن، ۴، ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران).

۱ - ۳) ممنوعیت تفسیر به رأی: الهی بودن، محکم بودن و قیّم بودن قرآن کریم اقتضا می‌کند از دست برد اندیشه‌های غیر ناب، برداشت‌های ناصواب و غیر منطقی، و استدلال‌های بدون پشتوانه و غیر معقول به دور باشد. اعتماد به تفاسیری که به شکل مؤثر برخاسته از ظن شخصی و تحمیل نظرات بر قرآن کریم است، خطر برداشت‌های انحرافی و التقاطی را در خصوص قرآن کریم گوشزد می‌کند.

نفی تفسیر به رأی مصونیتی برای مفسر، تکریم قرآن و منطقی کردن شیوه‌ها و برداشت‌های ما از آن است و چون ورود به تفسیر قرآن با گرایش اجتماعی، و دغدغه‌هایی از این دست، امکان ورود مفسر به فضای تحمیل نظر شخصی و عدم رهایی از پیش داوری‌های غیر علمی را به دنبال دارد؛ می‌طلبد تا در بخش مبانی به آن توجه ویژه شود.

از عمده دلایل و شواهد بر اهمیت این مسئله، وجود افراد مغرض و منحرف در طول تاریخ تفسیر قرآن است که تلاش کرده‌اند از این ناحیه و بر اساس اندوخته‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های خاص خود، دست به تفسیر بزنند و در نگاه دیگران استناد به قرآن را مخدوش سازند و باعث برخی اتهامات واهی به قرآن کریم و طرفداران آن گردند. هر چند قرآن کریم خود عیبی ندارد و از این اتهامات پاک است، لیکن، پاک‌سازی این اتهام به دلیل عیوب متعدد در مشی مسلمانان، می‌تواند هزینه جبران‌ناپذیری را متوجه مسلمانان، جوامع اسلامی و حرکت روبه رشد آنان سازد (ر.ک. به: منطق تفسیر (۱)، ۱۱ - ۲۵۸ و ۵۴۳).

۲. مبانی خاص

۱-۲) امکان تفسیر علمی قرآن: پس از این که امکان تفسیر و جواز آن به عنوان مبنا پذیرفته شد و از طرفی ممنوعیت تفسیر به رأی نیز از حریم قرآن کریم محافظت نمود، به نظر می‌رسد انحصار برداشت از قرآن کریم در یک حوزه و گروه خاص، امری غیرمنطقی و مخالف با اهداف قرآن کریم است. نیم‌نگاهی به اشارات علمی قرآن، با موضوعات مختلف علمی، که روشنگر و هادی ویژه در عرصه بهره‌مندی از آن در برابر مدعیان اصلاحات در جامعه بشری است، تفسیر علمی قرآن کریم را ممکن و بلکه لازم و ضروری می‌نمایاند.

از مباحث و مطالب ناظر به علوم طبیعی که بگذریم، سخن از سنت‌های

اجتماعی قطعی قرآن و سازگاری آن با جهان شمولی‌های فرهنگی که گویای اشتراک جوامع در قوانین اجتماعی - تاریخی است، شاهدهی در خصوص امکان تحلیل علمی در عرصه اجتماع، تاریخ و فلسفه تاریخ از نگاه قرآن کریم است (ر.ک. به: صدر، محمد باقر، سنت‌های تاریخ در قرآن).

۲-۲) امکان استخراج قوانین جامعه‌شناختی در دو بخش تاریخی و

اجتماعی از قرآن کریم: به طور قطع این کتاب عزیز، کتاب سرگذشت‌ها نیست، کتابی است که بر اساس یافته‌های صحیح می‌تواند تبیین‌کننده نظام‌های مختلف در عرصه زندگی بشری باشد. تأملی در فلسفه بیان قصص با نگاهی ژرف حکایت از یک ظرافت دارد، یعنی عبرت‌آموزی از سرگذشت‌ها. تأییدهای قرآن کریم در این زمینه بیش از حد است. همچنین صراحت در بسیاری از قوانین از جمله آیه کریمه *«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»*؛ (رعد/ ۱۱) و موارد مشابه که حکایت‌کننده سرگذشت فراغنه، نمرودها، ابوسفیان‌ها است و به گونه‌های مختلف نقاب از چهره‌های تار و تیره آن‌ها بر می‌دارد و ضمن تحلیل علل این رویدادها، به ادوار دیگر جامعه بشری تذکر می‌دهد که هر جامعه و دولتی که این مسیر را بپیماید، به یقین به سرنوشتی مشابه دچار خواهد شد (آل عمران/ ۱۳۷)؛ همان‌گونه که در برابر *«الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»*؛ پرهیزکاران سرگذشتشان، همان سرنوشت انبیاء و صالحان است و آن‌ها عاقبت زمین را به ارث خواهند برد، زیرا *«أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»*؛ (انبیاء/ ۱۰۵) (ر.ک. به: المجتمع، بحوث فی المذهب الاجتماعی القرآنی).

۲-۳) امکان ترسیم و تعیین اصول و قواعد نظام اجتماعی مطلوب از

نگاه قرآن کریم: این مبنا به دلیل جایگاه آن در حیات بشری، و تناسب آن با آرمان‌گرایی که در تمام ادیان از جمله دین مبین اسلام و به ویژه با اعتقاد تفکر

شیعه بر منجی آخر الزمان، وجود دارد، زمینه بهره‌مندی از قرآن کریم در مسائل اجتماعی و حیات جمعی بشری را بیشتر می‌کند و آن را اصولی‌تر می‌نماید. بحثی که در تمام مطالعات اجتماعی - با انواع نگرش‌ها - جایگاه ویژه خود را دارد و معمولاً تحت عناوینی چون، «اتوپ»، «مدینه فاضله»، «ناکجا آبادها» و «هزاره‌ها» مفهومی شده‌اند (ر.ک. به: مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله).

تأملی در شعارهای محوری قرآن کریم در مورد جامعه سالم (عدالت، آزادی، برابری و مساوات) شاهدهی زنده بر توان قرآن کریم در ارائه چنین آینده‌ای است؛ آنچه بشر بالفطره از آغاز حیاتش در زمین به ویژه پس از ظهور انبیای عظام احساس کرده و همچنان به دنبال یافتن صورت واقعی آن بر روی زمین است، لذا چون هدف اساسی قرآن کریم در نهایت به تشکیل جامعه سالم و مدینه‌ای به تمام معنا فاضله می‌رسد، (انبیاء / ۱۰۵)، نوعی هم‌آهنگی بین این هدف متعالی و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در این عرصه وجود دارد که به دلیل نقص فراوان تبیین جامعه آرمانی در نگاه جامعه‌شناختی، قرآن کریم تصویر صحیحی از آن هر چند به اجمال ارائه می‌دهد؛ جامعه‌ای که در آن جز خدا پرستش نمی‌شود، و جز به عدالت و برادری نمی‌اندیشند. نفسانیات و تمایلات در غل و زنجیرند و بهره‌وری از حیات بشری به حد اعلی خود می‌رسد ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ (قصص / ۵).

۳ - ۴) وجود و امکان شناسایی مفاهیم، محورها، و گزاره‌های همسو و ناظر به مباحث اجتماعی که زمینه بهره‌مندی و تفسیر اجتماعی از قرآن را فراهم می‌سازد: امروز با مراجعه به ظواهر قرآن، بسیاری از محورها و مفاهیم در حوزه مبانی جامعه‌شناسی و موضوعات تخصصی در این وادی قابل شناسایی است که ضمن اصلاح مبانی این علم، زمینه آشنایی با انسان و جامعه را در ابعاد

گسترده‌تری فراهم می‌سازد. برای مثال، همان‌گونه که در صفحات پیشین گذشت، به راحتی چپستی جامعه، عوامل عمده در زیست اجتماعی، ماهیت اصلی جوامع، اصالت و محوریت فرد یا جامعه، را از آیات قرآنی می‌توان استخراج نمود (ر.ک. به: سمالوطی، نبیل، بناء المجتمع الاسلامی ونظم دراسة فی علم الاجتماع الاسلامی).

ویژگی‌های تفسیر اجتماعی

هم‌اکنون می‌توان ویژگی‌های زیر را برای تفسیر اجتماعی قرآن بر شمرد و آن را دلیلی برای مراجعه و استفاده از قرآن کریم در عرصه پاسخ‌گویی به مسائل امروز جامعه بشری دانست.

۱. افزایش قدرت تطبیق آیات بر زندگی عصری و تلاش در راستای فهم آن برای درمان مشکلات موجود جوامع.

۲. هماهنگی این تفسیر با عمده مباحث مطرح در قرآن کریم از آن جهت که حول مسائل اجتماعی و جامعه است و از طرفی گویای خاستگاه اصلی دین اسلام (حیات اجتماعی) است؛ آن‌گونه که از بیان مرحوم علامه رحمته‌الله در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران فهمیده می‌شود.

۳. تفسیر اجتماعی آیات با مستندات عقلی و منطقی و روایی خود، کمک می‌کند تا نیاز به استفاده از روایات ضعیف و گاهی اسرائیلیات از بین برود و به ژرفای قرآن و آیات آن در حل مسائل امروز بشری بیشتر توجه گردد. همچنان که شاهد مثال‌های فراوانی در قرآن برای مبانی این تفسیر وجود دارد که ما را از بسیاری از تأویلات که گاهی هم نادرست است، باز می‌دارد و راه تفسیر به رأی را می‌بندد.

۵. امروز عمده شبهات و محور مخالفت دشمنان اسلام با قرآن و مکتب اهل بیت در حوزه در ابعاد مختلف مسائل مربوط به جامعه است، لذا پاسخ جامع و کامل به این شبهات، در سایه روی آوردن صحیح و کارآمد به تفسیر اجتماعی

قرآن کریم مقدور است.

۶. تفسیر اجتماعی قرآن، زمینه نگاه چند بعدی به قرآن کریم را فراهم می‌سازد و باعث می‌شود از ورود به دیدگاه‌های متحجرانه و تک بعدی که دفاع‌ناپذیر جلوه‌گیری شود. این ویژگی ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و اولویت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و اهل تأمل و دقت را از افراط و تفریط باز می‌دارد.

۷. تفسیر اجتماعی قرآن با فلسفه نبوت و مستندات آن نزدیکی زیادی دارد. کمتر اهل تدبر و اندیشه در قرآن را می‌توان یافت که در فلسفه نبوت تأمل کند و به مسائل و دغدغه‌های اجتماعی مردم روزگار پیامبران و امروز توجه نکند؛ چرا که باز کردن غل و زنجیر از دست و پای انسان‌ها و رهایی واقعی آنان جز فلسفه نبوت که عمده‌تاً در همین حیات اجتماعی عینیت می‌یابد، مقدور نیست.

۸. اشتراک قرآن و دغدغه‌های اندیشمندان مصلح نیز فراوان است. آنچه از قرآن در بحث عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم، فساد و تباهی، حذف رهبری مشرکان و پیروزی مستضعفان عالم و ترسیم یک نظام نهایی اجتماعی استخراج‌شدنی است، همه در نوشته‌ها و گفته‌های عالمان و مصلحان اجتماعی - شرقی و غربی - آمده است؛ هر چند به حق می‌توان ادعا کرد که سرچشمه بسیاری از این همسویی‌ها، بهره مصلحان از قرآن و آموزه‌های دینی است. زیباتر از آن هماهنگی بسیاری از خواسته‌های معقول مردم و مستضعفان است؛ با آنچه که قرآن کریم در اصلاح جامعه دارد و این به معنای سازگاری تمام عیار قرآن کریم با فطرت ناب انسانی است.

۹. تفسیر اجتماعی قرآن، یعنی پرده‌برداری مجدد از بسیاری از دستورهای قرآنی که به تعبیر مرحوم علامه (ذیل تفسیر آیه ۲۰۰ آل عمران) در فردی‌ترین آن، جنبه اجتماعی در نظر گرفته شده و اساساً خاستگاهی اجتماعی پیدا کرده

است، لذا رفتن به سمت تفسیر اجتماعی قرآن یعنی نگاه عالمانه و دقیق‌تر با ضوابط، اصول و قوانین متقن‌تر به قرآن و دستورات الهی.

تأمل در آیات فقهی، آیات اخلاقی، آیات جهاد، آیات زکات و صدقات که به ظاهر همه را در یک جا به عنوان احکام جمع‌بندی کردیم، ما را بر این می‌دارد که افق قرآن را از افق دید خود متفاوت و چندین برابر بازتر ببینیم و بار دیگر معارف آن را فهرست‌بندی و اولویت‌بندی کنیم.

۱۰. در کنار آن چه آمد، باید از وجود تفاسیر دلنشین و جذاب و گاه دقیق و عالمانه در حوزه تفسیر اجتماعی قرآن کریم یاد کرد. از زمانی که مفسرانی چون نویسندگان المنار، فی ظلال القرآن، نمونه و المیزان، و نویسندگان کتب شیعی که بیشتر در عرصه اجتماع برداشتی از قرآن را پرده‌برداری می‌نمودند (مانند نوشته‌های شهید صدر، شهید مطهری و آیت الله مصباح یزدی) پا به عرصه تفسیر گذاشتند، افق جدید پدید آوردند و دلگرمی زیادی به حق‌جویان و عدالت‌طلبان بخشیدند و نوید جدیدی در تحقق وعده الهی (حاکمیت خدا بر زمین) را احیا نمودند. این رخداد در مقایسه با گروهی از کتب تفسیری که دغدغه آن‌ها مسائل اجتماعی نبود - تفاسیری که اگر روایاتی نیافتند از پرده‌برداری آیات الهی دوری جستند - یک حادثه نو و پربرکت برای جامعه اسلامی شمرده می‌شوند.

نتیجه

با توجه به شرایط جامعه اسلامی و نیاز شدید امت اسلامی به بهره‌گیری از سرمنشأ فیض الهی و اصلاح رویکردهای افراطی و تفریطی و گاه ناسازگار با اهداف متعالی اسلام ناب، لازم است تا با تأکید دوباره بر مراجعه جدی و همه جانبه به قرآن کریم و خارج کردن آن از تحجر، باب تأمل در ابعاد مختلف از جمله نگاه جامعه‌شناختی به قرآن کریم و استفاده از آن در این عرصه بازتر شود

و ضمن برخورد بیشتر «مسئله محور» با آن پاسخ‌های امروزیین جامعه اسلامی -
یا به طور عام جامعه بشری - را به نیازهای اصلی و حقیقی او دریافت نمود و
شاهد دیدگاه‌های نوین در عرصه علوم انسانی، از جمله علوم اجتماعی، از منظر
قرآن کریم بود و به نظر می‌رسد با گسترش گرایش تفسیر اجتماعی، بخشی از آن
چه انتظار می‌رود، تحقق می‌یابد.

منابع

۱. آرون، ریمون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، نشر علمی - فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲. امزیان، محمد محمد، روش تحقیق در علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی، ترجمه: عبدالقادر سواری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۷، «جامعه در قرآن»، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر ۱ و ۲، نشر جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۷ ش.
۵. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵، چ اول.
۶. سمالوطی، بنیل، بناء المجتمع الاسلامی و نظمه «دراسته فی علوم الاجتماع الاسلامی»، دار الشروق، جدّه، ۱۴۲۸ هـ. ق.
۷. صدر، محمد باقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال موسوی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۸. طالقانی، سید محمود، پرتویی از قرآن، نشر شرکت سهامی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. عبدالجبار، محمد، المجتمع، بحوث فی المذهب الاجتماعی القرآنی، دارالاضواء، بیروت، ۱۹۸۷ م.
۱۱. گروهی از نویسندگان، در آمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، نشر دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. مؤدب، سید رضا، روش‌های تفسیر قرآن، نشر دانشگاه قم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. مصباح، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ در قرآن، (مجموعه آثار ج ۲) نشر صدرا، قم.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش.